د کابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

Assessment of the Effectiveness of Institutional Food Assistance in Kabul Province

Noorullah Halimzai[1], Ayaz Khan Naseri[2], Khal Mohammad Ahmadzai[3], Abdul Baqi Ahmadzai[4]

[1,2,3,4]Agricultural Economic and Extension Department, Agricultural Faculty, Kabul University, Kabul, Afghanistan
Email: noorullahhalimzai123@gmail.com

Article History

Recevied:
August 3, 2026

Accepted:
September 19, 2026

Published:
September 22, 2026

Abstract

This study aimed to examine the effectiveness of food aid provided by domestic and international institutions on the economic status of households in Kabul Province. The research employed a quantitative, applied, and cross-sectional descriptive-analytical approach. Data were collected through questionnaires from 150 recipient households in Districts 1, 6, and 13 of Kabul City, as well as Shakardara and Paghman districts, and analyzed using SPSS software. Findings revealed that 75.3% of respondents perceived food aid as effective in improving their economic situation, and 72.7% reported that it contributed to poverty reduction. Additionally, 62.7% of recipients expressed high satisfaction with the assistance received. The chi-square test indicated statistically significant differences between urban and rural areas in terms of satisfaction (p=0.013) and nutritional improvement (p=0.001), though no significant differences were observed in other indicators. Logistic regression analysis confirmed that improvements in children's education (p=0.002) and satisfaction with aid (p=0.004) had significant positive effects on household economic status. Results suggest that while food aid alleviates short-term economic pressures on households, it is insufficient on its own to enable families to escape the poverty cycle. Despite reported positive impacts, the structural gap between income and monthly expenditures persists. Therefore, it is recommended that food aid be complemented with economic empowerment programs, educational initiatives, and local market development to achieve more sustainable outcomes. Strengthening targeting mechanisms, ensuring transparent distribution, and enhancing monitoring of aid delivery are also essential for improving program effectiveness.

Keywords

Beneficiary Satisfaction; Effectiveness of Assistance; Food Assistance; Household Economic Status; Poverty

Halimzai, N., Naseri, A. K., Ahmadzai, K. M., & Ahmadzai, A. B. (2026). Assessment of the Effectiveness of Institutional Food Assistance in Kabul Province. *Journal of Social Sciences - Kabul University*, *9*(2), 299-326. https://doi.org/10.62810/jss.v9i2.457

د کابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

بررسی موثریت کمک های غذایی موسسات در ولایت کابل

نورالله حلیمزی[۱]، ایازخان ناصری[۲]، خال محمد احمدزی[۳]، عبدالباقی احمدزی[۴]

[۴،۳،۲،۱]دیپارتمنت اقتصاد و توسعه زراعتی، پوهنځی زراعت، پوهنتون کابل، افغانستان

ایمیل: noorullahhalimzai123@gmail.com

تاریخچه

تاریخ دریافت:
۱۲ اسد ۱۴۰۵

تاریخ پذیریش:
۲۸ سنبله ۱۴۰۵

تاریخ نشر:
۳۱ سنبله ۱۴۰۵

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی اثربخشی کمک‌های غذایی مؤسسات داخلی و خارجی بر وضعیت اقتصادی خانواده‌ها در ولایت کابل انجام شد. پژوهش حاضر از نظر رویکرد کمی، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی و مقطعی است. داده‌ها از ۱۵۰خانواده دریافت‌کننده کمک در نواحی اول، ششم و سیزدهم شهر کابل و ولسوالی‌های شکردره و پغمان از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که ۵۷.۳٪ از پاسخ‌دهندگان کمک‌ها را در بهبود وضعیت اقتصادی و ۷۲.۷٪ آن‌ها را در کاهش فقر مؤثر دانستند. همچنین، ۶۲.۷٪از دریافت‌کنندگان رضایت بالایی از کمک‌ها ابراز کردند. آزمون کای‌دو تفاوت معناداری را میان مناطق شهری و روستایی در رضایت (p=۰.۰۱۳)و بهبود تغذیه(p=۰.۰۰۱) نشان داد، اما در سایر شاخص‌ها تفاوت معنادار مشاهده نشد. تحلیل رگرسیون لجستیک نیز تأثیر معنادار بهبود آموزش کودکان (p=۰.۰۰۲)و رضایت از کمک‌ها(p=۰.۰۰۴) را بر بهبود وضعیت اقتصادی تأیید کرد. نتایج حاکی از آن است که کمک‌های غذایی در کوتاه‌مدت فشار اقتصادی خانوارها را کاهش می‌دهند، اما به‌تنهایی برای خروج از چرخه فقر کافی نیستند. باوجود تأثیرات مثبت گزارش‌شده، شکاف ساختاری میان درآمد و مصارف ماهانه همچنان پابرجاست. بنابراین، پیشنهاد می‌شود کمک‌ها با برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی، آموزشی و تقویت بازارهای محلی تکمیل شوند تا اثرات پایدارتری داشته باشند. تقویت هدفمندی، شفافیت توزیع و نظارت بر روند کمک‌رسانی نیز

واژه‌های کلیدی

کمک‌های غذایی؛ وضعیت اقتصادی خانوارها؛ فقر؛ رضایت دریافت‌کنندگان؛ اثربخشی کمک‌ها

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربّ العالمین، والصلاة والسلام علی سیّد المرسلین، وعلی آله وأصحابه أجمعین. أما بعد:

افزایش نفوس جهان و رشد تقاضا برای مواد غذایی یکی از چالش‌های مهم قرن بیست ویکم به شمار می رود، به گونه‌ای که بر اساس گزارش سازمان ملل متحد جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ میلادی از حدود ٦.٧ میلیارد به نزدیک ۹.۱ میلیارد نفر افزایش خواهد یافت که این امر نیاز به افزایش تولید و عرضه مواد غذایی را به طور قابل توجهی برجسته می‌سازد (سازمان ملل، 2019 ، ص ۱). بر این اساس، برای تأمین نیاز جمعیت رو به رشد جهان، لازم است تولیدات زراعتی به طور قابل توجهی افزایش یابد تا پاسخگوی تقاضای غذایی آینده باشد(سازمان غذا و زراعت ملل متحد، ۲۰۰۹).

غذا مفهوم بسیاری زیادی دارد و علاوه بر تولید انرژی، تمامی اعمال بدن را حفظ و تنظیم می‌کند؛ اما معنی غذا چیزی بیش از تغذیه بدن است.

در افغانستان، با وجود نقش اساسی زراعت در معیشت و امنیت غذایی، تأمین نیازهای غذایی با چالش‌های جدی مواجه است. خشکسالی یکی از عوامل مهم ناامنی غذایی در کشور به شمار می‌رود و می‌تواند از طریق کاهش منابع آب و تولیدات زراعتی، وضعیت امنیت غذایی را تشدید کند (شوکلا و همکاران، ۲۰۲۴)

ناامنی غذایی در افغانستان به ویژه در مناطق روستایی گسترده بوده است، در حالی‌که خانواده‌های شهری از نظر مصرف غذایی و دسترسی به درآمد با مشکلات بیشتری مواجه بوده اند. همچنین رکود اقتصادی، بیکاری، کاهش درآمد و نبود پس انداز کافی از عوامل اصلی تشدید ناامنی غذایی در هر دو منطقه روستایی و شهری شناخته شده‌اند(حسن زوی، ۲۰۲۵، صص ۱۱۱۷-۱۰۹۹).

کووید-۱۹ با کاهش درآمد، محدودیت‌های کاری، افزایش قیمت مواد غذایی و اختلال در زنجیره تأمین، ناامنی غذایی در افغانستان را به طور قابل توجهی تشدید کرده و میلیون‌ها نفر را با کمبود شدید غذا مواجه ساخته است (احمدی و همکاران، ۲۰۲۱، ص۲).

در چنین شرایطی، کمک‌های غذایی مؤسسات داخلی و بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در کاهش فقر، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و تأمین امنیت غذایی مردم داشته باشد. در سال‌های گذشته، کمک‌های غذایی گسترده‌ای از سوی نهادهای داخلی و بین‌المللی، از جمله برنامه جهانی غذا و بانک جهانی، در افغانستان توزیع شده است. بااین‌حال، میزان اثربخشی این کمک‌ها، شیوه توزیع، میزان

دسترسی خانوارها، شفافیت روند توزیع و تأثیر واقعی آن‌ها بر وضعیت اقتصادی مردم هنوز به‌صورت کافی و علمی بررسی نشده است.

در ولایت کابل نیز با وجود افزایش کمک‌های غذایی، تحقیقات علمی و میدانی درباره اثربخشی این کمک‌ها، میزان دسترسی مردم، عدالت در توزیع، رضایت دریافت‌کنندگان و تأثیر آن‌ها بر وضعیت اقتصادی خانواده‌ها محدود است. همچنین، تفاوت میان مناطق شهری و روستایی از نظر توزیع و دسترسی به کمک‌های غذایی به‌صورت نظام‌مند بررسی نشده است. این وضعیت، یک خلأ مهم تحقیقاتی ایجاد کرده است؛ بنابراین، تحقیق حاضر با هدف بررسی اثربخشی کمک‌های غذایی بر وضعیت اقتصادی مردم در ولایت کابل انجام می‌شود.

افغانستان بیش از چهار دهه با جنگ، ناامنی، بی‌ثباتی سیاسی و مشکلات اقتصادی مواجه بوده است. این شرایط سبب کاهش فرصت‌های کاری، افزایش فقر، کاهش درآمد خانوارها و گسترش ناامنی غذایی در میان مردم شده است. ازاین‌رو، بررسی نقش کمک‌های غذایی در بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فقر خانواده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اهمیت این تحقیق را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. بررسی میزان تأثیر کمک‌های غذایی بر وضعیت اقتصادی خانواده‌ها در ولایت کابل؛
۲. شناسایی میزان دسترسی مردم به کمک‌های غذایی و بررسی عدالت در روند توزیع؛
۳. مقایسه وضعیت دریافت و دسترسی به کمک‌های غذایی میان مناطق شهری و روستایی؛
۴. بررسی نقش کمک‌های غذایی در کاهش فقر و بهبود توانایی اقتصادی خانوارها؛
۵. سنجش میزان رضایت مردم از کیفیت، مقدار، زمان و شیوه توزیع کمک‌های غذایی؛
٦. شناسایی مشکلات و موانع موجود در روند توزیع کمک‌های غذایی؛
۷. فراهم‌سازی اطلاعات علمی برای بهبود برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نهادهای مسئول در زمینه کمک‌رسانی.

نتایج این تحقیق می‌تواند برای وزارت اقتصاد، وزارت‌های مرتبط، اداره‌های محلی، سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات غیردولتی و سایر نهادهای فعال در زمینه تأمین امنیت غذایی و کاهش فقر مفید واقع شود. همچنین، یافته‌های این مطالعه می‌تواند در شناسایی گروه‌های هدف، بهبود روش‌های توزیع، افزایش شفافیت و برنامه‌ریزی بهتر برای کمک‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد.

هدف اصلی این بررسی اثربخشی کمک‌های غذایی بر وضعیت اقتصادی و کاهش فقر مردم در ولایت کابل واهداف فرعی آن قرار ذیل می باشند.

۱. سنجش تأثیر کمک‌های غذایی بر وضعیت اقتصادی مردم در ولایت کابل؛
۲. بررسی تفاوت میان مناطق شهری و روستایی از نظر توزیع و دسترسی به کمک‌های غذایی؛
۳. بررسی نقش کمک‌های غذایی در کاهش فقر خانوارها؛
۴. سنجش میزان رضایت مردم از کمک‌های غذایی توزیع‌شده؛
۵. بررسی میزان دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر به کمک‌های غذایی؛
٦. شناسایی مشکلات و موانع موجود در روند توزیع کمک‌های غذایی؛
۷. ارائه پیشنهادهای مناسب برای بهبود روند توزیع و افزایش اثربخشی کمک‌های غذایی.

نتایج این مطالعه می تواند در تصمیم گیری های اقتصادی در سطح محلی و ملی مورد استفاده قرار گیرد و به توزیع عادلانه کمک های غذایی و تأمین امنیت غذایی در افغانستان کمک کند.

پیشینه تحقیق

احمدی و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیقی درباره وضعیت امنیت غذایی در افغانستان در جریان همه‌گیری کووید-۱۹ نشان دادند که این بحران از طریق کاهش درآمد خانوارها، محدودشدن فرصت‌های کاری، افزایش قیمت مواد غذایی و اختلال در زنجیره تأمین، وضعیت امنیت غذایی را تشدید کرده است. آنان بر ضرورت تقویت برنامه‌های کمک غذایی و حمایت‌های اجتماعی برای کاهش پیامدهای اقتصادی و غذایی بحران تأکید کردند(احمدی و همکاران، ۲۰۲۱).

حسن‌زوی، پتریک و تویبر (۲۰۲۵) در تحقیقی درباره الگوهای ناامنی غذایی در مناطق روستایی و شهری افغانستان پس از آگست ۲۰۲۱، تفاوت‌های وضعیت امنیت غذایی میان خانوارهای روستایی و شهری را بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان داد که ناامنی غذایی از لحاظ شیوع در مناطق روستایی گسترده‌تر است؛ با این حال، خانوارهای شهری ناامن از نظر غذایی نیز با مشکلات جدی در زمینه مصرف فعلی، درآمد و اشتغال مواجه‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که کاهش درآمد، نوسان درآمد و محدودیت فرصت‌های کاری از عوامل مهم مرتبط با ناامنی غذایی در هر دو محیط روستایی و شهری افغانستان محسوب می‌شوند(حسن‌زوی، پتریک و تویبر، ۲۰۲۵).

شُکلا و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیقی درباره رابطه خشکسالی، پدیده ال‌نینو ـ نوسان جنوبی (ENSO) و پیامدهای زراعتی در افغانستان، نشان دادند که خشکسالی یکی از عوامل مهم تشدیدکننده ناامنی

غذایی در کشور است. نتایج آنان بیانگر آن است که در دوره‌های لانینا، احتمال وقوع خشکسالی زراعتی در شماری از مناطق افغانستان افزایش می‌یابد و این وضعیت می‌تواند با کاهش تولیدات زراعتی و تشدید آسیب‌پذیری غذایی همراه باشد. این یافته‌ها بر اهمیت پیش‌بینی‌های اقلیمی، هشداردهی زودهنگام و تقویت ظرفیت سازگاری بخش زراعت تأکید می‌کند(شُکلا و همکاران، ۲۰۲۴).

انک جهانی در گزارش‌های مرتبط با افغانستان بر نقش حمایت‌های اجتماعی و کمک‌های نقدی و غذایی در کاهش فشارهای اقتصادی بر خانوارهای آسیب‌پذیر تأکید کرده است. با این حال، برای دستیابی به نتایج پایدار، حمایت‌های کوتاه‌مدت باید با اقدامات توسعه‌ای، ایجاد فرصت‌های کاری، تقویت معیشت و بهبود دسترسی خانوارها به بازارها همراه شود(بانک جهانی، ۲۰۰۵، ۲۰۲۱).

در یک مطالعه تجربی که در شمال اکوادور انجام دادند، سه نوع کمک شامل کمک نقدی، کوپن غذایی و کمک مستقیم غذایی را با یکدیگر مقایسه کردند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که هر سه نوع مداخله توانسته‌اند میزان و کیفیت مصرف غذایی خانوارها را بهبود بخشند؛ با این حال، کمک مستقیم غذایی تأثیر بیشتری بر افزایش میزان کالری مصرفی خانوارها داشته، در حالی‌که کوپن‌های غذایی تأثیر برجسته‌تری بر افزایش تنوع رژیم غذایی نشان داده‌اند. این یافته‌ها بیانگر آن است که انتخاب نوع مناسب کمک باید با توجه به شرایط بازار، دسترسی خانوارها به مواد غذایی و نیازهای مشخص آنان صورت گیرد(هیدروبو و همکاران، ۲۰۱۴).

در یک مطالعه جامع پیرامون اصلاحات و سیاست‌های مرتبط با کمک‌های غذایی، بر اهمیت هدف‌گیری دقیق و مناسب دریافت‌کنندگان، کاهش هزینه‌های انتقال و انتخاب نوع کمک متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی محیط تأکید کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اثربخشی برنامه‌های کمک‌رسانی صرفاً به میزان منابع توزیع‌شده وابسته نیست، بلکه چگونگی شناسایی مستحقین، هزینه‌های انتقال کمک‌ها و میزان سازگاری نوع کمک با شرایط محلی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت این برنامه‌ها دارد. از این‌رو، توزیع مواد غذایی بدون درنظرداشت شرایط بازار و نیازهای واقعی خانوارها می‌تواند اثربخشی کلی برنامه‌های حمایتی را محدود سازد(لنتز و بارت، ۲۰۰۸).

اورونس و همکاران (۲۰۲۱) در یک مرور نظام‌مند و فراتحلیل که ۳۹ مطالعه و در مجموع ۱۷۰٬۶۰۵ شرکت‌کننده را دربر می‌گرفت، به بررسی اثربخشی مداخلات مختلف برای کاهش ناامنی غذایی پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که ارائه مستقیم مواد غذایی و کمک‌های مالی با کاهش معنادار ناامنی غذایی همراه بوده است. شواهد این مطالعه نشان می‌دهد که مداخلاتی که به‌صورت مستقیم

نیازهای غذایی یا مالی افراد و خانوارهای آسیب‌پذیر را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند در بهبود وضعیت امنیت غذایی مؤثر باشند(اورونس و همکاران، ۲۰۲۱).

دی‌مارچیس و همکاران (۲۰۱۹) در یک مرور نظام‌مند از مداخلات انجام‌شده برای مقابله با ناامنی غذایی، طیف مختلفی از برنامه‌ها، از جمله ارجاع به منابع غذایی، توزیع مستقیم مواد غذایی و ارائه کوپن‌های غذایی را بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان داد که مداخلات مرتبط با دسترسی به مواد غذایی می‌توانند در کاهش ناامنی غذایی نقش داشته باشند؛ با این حال، محدودیت‌هایی مانند کیفیت پایین برخی مطالعات، نبود گروه‌های مقایسه‌ای مناسب و پیگیری ناکافی، ارزیابی قطعی اثربخشی این مداخلات را دشوار ساخته است. از این‌رو، آنان بر ضرورت طراحی مطالعات دقیق‌تر و برنامه‌های هماهنگ‌تر برای ارزیابی پیامدهای مداخلات غذایی تأکید کردند(دی‌مارچیس و همکاران، ۲۰۱۹).

با جمع‌بندی مطالعات پیشین می‌توان گفت که بخش قابل‌توجهی از تحقیقات انجام‌شده بر رابطه میان کمک‌های غذایی، کمک‌های نقدی و کوپن‌های غذایی با امنیت غذایی و وضعیت معیشتی خانوارها تمرکز داشته‌اند. یافته‌های این مطالعات عموماً نشان می‌دهد که کمک‌های مستقیم غذایی و مالی می‌توانند در کاهش ناامنی غذایی و بهبود وضعیت خانوارهای آسیب‌پذیر مؤثر باشند. در عین حال، عواملی مانند هدف‌گیری دقیق دریافت‌کنندگان، شرایط بازار، هزینه‌های انتقال، دسترسی خانوارها و تناسب نوع کمک با نیازهای محلی، نقش مهمی در تعیین میزان اثربخشی برنامه‌های حمایتی دارند.

در افغانستان نیز مطالعات موجود بیشتر بر پیامدهای بحران‌هایی مانند کووید-۱۹، خشکسالی، کاهش درآمد و ناامنی غذایی تمرکز کرده‌اند. با وجود اهمیت این مطالعات، بررسی هم‌زمان تأثیر کمک‌های غذایی بر وضعیت اقتصادی خانوارها، میزان رضایت دریافت‌کنندگان و ارزیابی آنان از اثربخشی کمک‌ها، به‌ویژه در سطح ولایت کابل، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، تحقیق حاضر با تمرکز بر کمک‌های غذایی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در میان خانوارهای دریافت‌کننده در ولایت کابل، می‌کوشد این خلأ تحقیقی را تا حدی پوشش دهد. بررسی این موضوع می‌تواند در شناخت میزان اثربخشی برنامه‌های کمک‌رسانی و ارائه پیشنهادهای مناسب برای بهبود هدفمندی، توزیع و مدیریت کمک‌های غذایی در افغانستان مفید واقع شود.

مبانی نظری

این تحقیق بر مبنای نظریه امنیت غذایی (Food Security Theory) و نظریه سرمایه انسانی (Human Capital Theory)استوار می باشد. بر اساس نظریه امنیت غذایی، دسترسی مستمر خانواده هابه غذای

کافی و مناسب یکی از عوامل اساسی رفاه و کاهش فقر محسوب می شود. کمک‌های غذایی می توانند با افزایش دسترسی به مواد غذایی، فشار اقتصادی خانواده هارا کاهش دهند و امنیت غذایی را بهبود بخشند.

همچنین بر اساس نظریه سرمایه انسانی، بهبود وضعیت تغذیه و آموزش کودکان می تواند در بلندمدت ظرفیت اقتصادی خانواده هارا افزایش دهد. بنابراین انتظار می رود کمک های غذایی از طریق بهبود تغذیه، افزایش رضایت خانوادهها، کاهش فقر و حمایت از آموزش کودکان بر وضعیت اقتصادی خانواده هاتأثیر مثبت داشته باشند.

در این تحقیق، کمک های غذایی به عنوان متغیر مستقل و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. همچنان متغیرهای بهبود تغذیه، کاهش فقر، رضایت خانوادها و بهبود آموزش کودکان به عنوان عوامل میانجی در نظر گرفته شده‌اند که می‌توانند رابطه میان کمک های غذایی و وضعیت اقتصادی خانوادها را توضیح دهند .

که مدل مفهومی آن قرار ذیل اند.

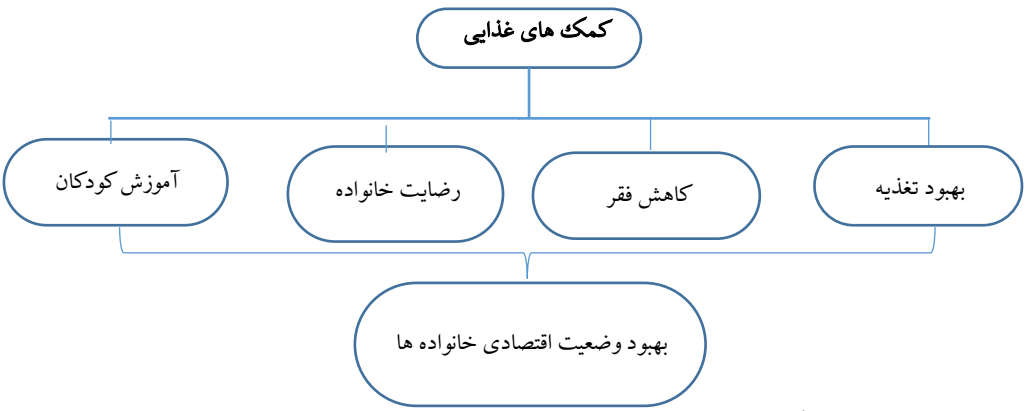

شکل۱: طراحی محقق بر اساس نظریه امنیت غذایی و نظریه سرمایه انسانی(۱۴۰۴هـ.ش)

مفهوم کمک‌های غذایی

کمک‌های غذایی به مجموعه‌ای از مواد خوراکی، کمک‌های نقدی یا کوپن‌های غذایی گفته می‌شود که از سوی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات غیردولتی و نهادهای خیریه برای حمایت از افراد و خانواده‌های آسیب‌پذیر ارائه می‌گردد. هدف اساسی کمک‌های غذایی، تأمین نیازهای فوری غذایی، جلوگیری از گرسنگی، کاهش فشار اقتصادی و تقویت امنیت غذایی خانواده‌ها است(بانک جهانی، ۲۰۰۵).

کمکهای غذایی میتواند بهعنوان بخشی از برنامههای امنیت غذایی و شبکههای ایمنی اجتماعی، برای حمایت از خانوارهای دچار ناامنی غذایی مورد استفاده قرار گیرد. این کمکها ممکن است به شکل انتقال مواد غذایی یا، در برخی شرایط، انتقال نقدی به خانوارهای نیازمند ارائه شود (دل نینو و همکاران، ۲۰۰۵، صص. ۴۷–۴۸، ۹۴–۹۵) .

مفهوم امنیت غذایی

امنیت غذایی زمانی وجود دارد که همه افراد، در تمام زمانها، به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فزیکی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشند؛ غذایی که نیازهای تغذیهای و ترجیحات غذایی آنان را برای داشتن یک زندگی فعال و سالم برآورده سازد (غذا و زراعت سازمان ملل متحد،۲۰۰۶، ص۱) . امنیت غذایی دارای چهار بُعد اساسی است: موجودیت، دسترسی، استفاده و ثبات

موجودیت مواد غذایی

موجودیت مواد غذایی به فراهمبودن مقدار کافی مواد غذایی در سطح کشور، منطقه، بازار یا خانواده اشاره دارد. تولیدات زراعتی داخلی، واردات تجارتی، ذخایر غذایی و کمکهای غذایی از منابع مهم موجودیت مواد غذایی به شمار میروند (بانک جهانی، ۲۰۰۵).

دسترسی به مواد غذایی

دسترسی به مواد غذایی به توانایی اقتصادی و فیزیکی خانوادهها برای تهیه مواد غذایی مورد نیاز اشاره دارد. ممکن است مواد غذایی در بازار موجود باشد، اما خانواده ها به دلیل نداشتن درآمد، بیکاری، افزایش قیمتها یا دوری از بازار نتوانند آن را خریداری کنند. ازاینرو، دسترسی به غذا با درآمد، فرصتهای کاری، قیمتها و میزان کمکهای دریافتی ارتباط مستقیم دارد (سازمان غذا و زراعت ملل متحد، ۲۰۰۶، ص۱).

استفاده از مواد غذایی

استفاده از مواد غذایی به نحوه مصرف غذا و تأثیر آن بر وضعیت تغذیهای اعضای خانواده مربوط میشود. کیفیت و تنوع غذا، آب آشامیدنی سالم، وضعیت صحی و روش پخت غذا از عوامل مهم در استفاده مناسب از مواد غذایی به شمار میروند (غذا و زراعت سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶، ص۱).

ثبات امنیت غذایی

ثبات امنیت غذایی به تداوم موجودیت، دسترسی و استفاده مناسب از مواد غذایی در طول زمان اشاره دارد. جنگ، خشکسالی، بیکاری، افزایش قیمت‌ها، بیماری و توقف کمک‌ها می‌تواند ثبات امنیت غذایی خانواده‌ها را تهدید کند (غذا و زراعت سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶، ص۱).

مفهوم اثربخشی کمک‌های غذایی

اثربخشی کمک‌های غذایی به میزان موفقیت برنامه‌های کمک‌رسانی در دستیابی به اهداف تعیین‌شده، از جمله بهبود دسترسی خانوارهای آسیب‌پذیر به غذا، کاهش گرسنگی و تقویت امنیت غذایی اشاره دارد. صرف توزیع مواد غذایی نمی‌تواند به‌تنهایی نشان‌دهنده اثربخشی یک برنامه باشد، بلکه عواملی مانند هدف‌گیری صحیح، هزینه‌های انتقال و توزیع، شرایط بازار و میزان دسترسی خانوارهای نیازمند به کمک‌ها نیز در نتایج برنامه نقش اساسی دارند(لنتز و بَرِت، ۲۰۰۸).

هدف‌گیری خانوارهای مستحق

یکی از مهم‌ترین عوامل در مؤثریت کمک‌های غذایی، شناسایی و انتخاب درست خانوارهای نیازمند است. اگر کمک‌ها به خانوارهایی برسد که نیاز کمتری دارند و در مقابل خانوارهای بسیار آسیب‌پذیر از برنامه محروم شوند، میزان اثربخشی برنامه کاهش می‌یابد. تحقیق Barrett نشان می‌دهد که بهبود هدف‌گیری دریافت‌کنندگان کمک، نقش مهمی در پیشبرد اهداف امنیت غذایی دارد(لنتز و بَرِت، ۲۰۰۸).

نوع کمک و اثربخشی آن

کمک‌های غذایی می‌توانند به شکل مواد غذایی، پول نقد یا کوپن ارائه شوند. انتخاب نوع کمک می‌تواند بر میزان مصرف، کیفیت رژیم غذایی و امنیت غذایی خانوار تأثیر بگذارد. یک تحقیق آزمایشی در شمال اکوادور نشان داد که هر سه نوع انتقال، یعنی پول نقد، کوپن و مواد غذایی، مقدار و کیفیت غذای مصرفی خانوارها را بهبود بخشیدند. با این حال، کمک مستقیم غذایی تأثیر بیشتری بر افزایش کالری مصرفی داشت، در حالی که کوپن‌ها تأثیر بیشتری بر افزایش تنوع غذایی نشان دادند (هیدروبو و همکاران، ۲۰۱۴).

هزینه‌اثربخشی کمک‌های غذایی

هزینه‌اثربخشی به رابطه میان منابع مصرف‌شده و نتایج حاصل از یک برنامه کمک‌رسانی اشاره دارد. یک برنامه زمانی هزینه‌اثربخش تلقی می‌شود که بتواند با استفاده مناسب از منابع، بهبود بیشتری در

وضعیت غذایی و امنیت غذایی خانوارها ایجاد کند. مطالعه نشان داد که اگرچه انتقال مواد غذایی، پول نقد و کوپن همگی می‌توانند وضعیت مصرف غذایی را بهبود دهند، اما روش‌های مختلف انتقال از نظر هزینه‌اثربخشی تفاوت دارند(هیدروبو و همکاران، ۲۰۱۴).

تأثیر کمک‌ها بر امنیت غذایی خانوار

هدف نهایی بسیاری از برنامه‌های کمک غذایی، کاهش ناامنی غذایی خانوارها است. شواهد تحقیقی نشان می‌دهد که مداخلاتی که به‌طور مستقیم مواد غذایی یا حمایت مالی در اختیار افراد نیازمند قرار می‌دهند، می‌توانند میزان ناامنی غذایی را کاهش دهند. یک مرور نظام‌مند و فراتحلیل شامل ۳۹ مطالعه و بیش از ۱۷۰ هزار شرکت‌کننده نشان داد که ارائه مستقیم مواد غذایی و کمک‌های مالی با کاهش معنادار ناامنی غذایی همراه بوده است (اورونس و همکاران، ۲۰۲۱).

نقش کمک‌های غذایی در کاهش ناامنی شدید غذایی

بررسی‌های علمی نشان داده‌اند که برنامه‌های کمک غذایی می‌توانند احتمال ناامنی غذایی را کاهش دهند. برای مثال، تحقیق نشان می دهد که دریافت مزایای برنامه کمک غذایی SNAP با کاهش احتمال ناامنی غذایی و ناامنی غذایی شدید ارتباط داشته است. نتایج این تحقیق اهمیت برنامه‌های حمایتی را در کاهش مشکلات غذایی خانوارهای آسیب‌پذیر نشان می‌دهد(رَتْکلیف، ۲۰۱۱)

کیفیت و تنوع مواد غذایی

اثربخشی کمک‌های غذایی تنها به مقدار مواد غذایی وابسته نیست، بلکه کیفیت و تنوع مواد غذایی نیز اهمیت اساسی دارد. کمک غذایی زمانی می‌تواند وضعیت تغذیه‌ای خانوار را بهبود دهد که علاوه بر تأمین نیازهای کالری، زمینه دسترسی به مواد غذایی متنوع‌تر و باکیفیت‌تر را نیز فراهم سازد. تحقیق نشان داد که نوع کمک دریافتی می‌تواند بر الگوی مصرف خانوار اثر بگذارد؛ به‌طوری‌که کمک غذایی مستقیم افزایش بیشتری در مصرف کالری و کوپن غذایی افزایش بیشتری در تنوع رژیم غذایی ایجاد کرد (هیدروبو و همکاران، ۲۰۱۴).

شاخص‌های ارزیابی مؤثریت کمک‌های غذایی

بر اساس مطالعات علمی، برای ارزیابی مؤثریت کمک‌های غذایی می‌توان از شاخص‌های زیر استفاده کرد:

- رسیدن کمک به افراد و خانوارهای مستحق؛
- کفایت مقدار و ارزش کمک؛

- کیفیت و تنوع مواد غذایی؛
- به‌موقع‌بودن و تداوم توزیع؛
- سهولت دسترسی خانوارها به کمک؛
- کاهش گرسنگی و ناامنی غذایی؛
- افزایش مقدار و کیفیت مصرف غذایی؛
- بهبود تنوع غذایی؛
- هزینه‌اثربخشی روش توزیع.

در این تحقیق، شاخص‌های رضایت دریافت‌کنندگان، بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش فقر، بهبود تغذیه و بهبود آموزش کودکان به‌عنوان معیارهای اصلی اثربخشی کمک‌های غذایی مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر رویکرد، کمی؛ از نظر هدف، کاربردی؛ و از نظر روش اجرا، توصیفی-تحلیلی و از نظر زمانی، مقطعی می‌باشد .جامعه آماری تحقیق شامل خانواده‌های دریافت‌کننده کمک‌های غذایی در نواحی اول، ششم و سیزدهم شهر کابل و ولسوالی‌های شکردره و پغمان می‌باشد. با توجه به نبود فهرست جامع و قابل دسترس از تمامی دریافت‌کنندگان کمک‌های غذایی مؤسسات در ولایت کابل، استفاده از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین، برای شناسایی و دسترسی به افراد واجد شرایط، از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی گلوله‌برفی (Snowball Sampling) استفاده گردید.

در مجموع، ۱۵۰ خانواده مورد بررسی قرار گرفتند و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد. داده‌های جمع‌آوری‌شده پس از کدگذاری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند.

تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی برای محاسبه میانگین درآمد و مصارف خانواده‌ها، فراوانی و فیصدی دریافت کمک‌های غذایی و میزان رضایت خانواده‌ها بود. همچنین، از آزمون خی‌دو (χ^2) برای بررسی تفاوت میان مناطق شهری و روستایی در شاخص‌های مرتبط با اثربخشی کمک‌های غذایی استفاده گردید. علاوه بر آن، رگرسیون لجستیک برای بررسی ارتباط متغیرهای مستقل، از جمله بهبود آموزش کودکان، رضایت خانواده‌ها، کاهش فقر، بهبود وضعیت تغذیه و سایر شاخص‌های مورد مطالعه، با احتمال بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها به کار گرفته شد .سطح معناداری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد.

روایی و پایایی ابزار تحقیق

برای ارزیابی کیفیت ابزار تحقیق، روایی (Validity) و پایایی (Reliability) پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. روایی پرسشنامه از طریق اخذ نظر متخصصان و استادان مربوطه بررسی و تأیید گردید و پرسشنامه از نظر محتوایی قابل قبول ارزیابی شد.

همچنین، پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha) مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی پایایی ابعاد مختلف پرسشنامه در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: *سنجش پایایی ابزار تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ*

متغیر مورد سنجش	ضریب آلفای کرونباخ
رضایت از کمک‌های غذایی	۰.۷۷٦
بهبود وضعیت اقتصادی خانواده	۰.۸۷۸
کاهش فقر	۰.۸۲۹
بهبود وضعیت تغذیه	۰.۸۴۱
بهبود آموزش کودکان	۰.٦۵۵
کل پرسشنامه	۰.۷۰

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

بر اساس نتایج جدول، ضرایب آلفای کرونباخ برای بیشتر ابعاد پرسشنامه در سطح قابل قبول قرار دارد. بالاترین ضریب مربوط به بُعد بهبود وضعیت اقتصادی خانواده با مقدار ۰.۸۷۸ و پایین‌ترین ضریب مربوط به بُعد بهبود آموزش کودکان با مقدار ۰.٦۵۵ می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰.۷۰ به دست آمده است که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول کلی ابزار تحقیق می‌باشد.

یافته‌ها

اوسط مصارف و درآمد ماهانه خانواده‌های نیازمند

بر اساس یافته‌های تحقیق در سال ۱۴۰۴ هـ.ش و مطابق ارقام جدول (۲)، مجموعاً ۱۵۰ خانواده از ناحیه‌های اول، ششم و سیزدهم شهر کابل و همچنین از ولسوالی‌های شکردره و پغمان مطالعه شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین میزان مصارف ماهانه در ناحیه ششم شهر کابل ثبت شده است، به‌گونه‌ای که اوسط مصارف ماهانه خانواده‌ها در این ناحیه ۱۰۴٦۰.۲ افغانی می‌باشد. این در حالی است که اوسط درآمد ماهانه خانواده‌ها ٦۰۷۵.۵ افغانی بوده و نشان‌دهنده کسری اوسط ۴۳۸۴.۷ افغانی در درآمد ماهانه خانواده‌ها است. در مقابل، کمترین میزان مصارف ماهانه در ولسوالی پغمان ثبت شده

است. اوسط مصارف ماهانه در این ولسوالی ۸۶۷۲.۴ افغانی و اوسط درآمد ماهانه ۶۵۴۴ افغانی بوده که در نتیجه، خانواده‌ها با کسری ۲۱۲۸.۴ افغانی در درآمد ماهانه خود روبه‌رو هستند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که در ناحیه سیزدهم شهر کابل، اوسط مصارف ماهانه خانواده‌ها ۱۰۳۸۸.۴ افغانی و اوسط درآمد ماهانه ۵۸۵۲.۳ افغانی بوده که منجر به کسری ۴۵۷۸.۲ افغانی در درآمد ماهانه خانواده‌ها شده است. در ناحیه اول شهر کابل نیز اوسط مصارف ماهانه ۱۰۰۰۳.۹ افغانی و اوسط درآمد ماهانه ۵۰۱۶.۶ افغانی گزارش شده است که نشان‌دهنده تفاوت قابل توجه میان درآمد و مصارف خانواده‌ها می باشد.

در ولسوالی شکردره اوسط مصارف ماهانه خانواده‌ها ۸۶۷۲.۴ افغانی و اوسط درآمد ماهانه ۶۹۶۰ افغانی بوده که نشان‌دهنده کسری درآمد ماهانه خانواده‌ها در این ولسوالی است.

جدول۲: *اوسط مصارف و عواید ماهانه فامیل های مورد مطالعه(افغانی)*

شماره	نواحی و والسوالی	اوسط مقدار مصرف ماهانه فامیل ها به افغانی				اوسط عاید ماهانه	اوسط باقی از عاید ماهانه	درجه مصرف زیاد در نواحی و ولسوالی ها
		اوسط مصرف مواد غذایی	اوسط مصرف مواد غیر غذایی	اوسط مصرف لوازم صحی	مجموعه			
۱	شکردره	۷۰۱۱.۱	۲۱۲۲.۲	۷۵۶.۷	۹۸۹۰	۶۹۶۰	-2930	۴
۲	پغمان	۵۹۷۳.۲	۲۰۶۵.۲	۶۳۴	۸۶۷۲.۴	۶۵۴۴	-2128.4	۵
۳	ناحیه ۱	۷۱۵۹	۲۱۵۶.۳	۶۸۸.۶	۱۰۰۰۳.۹	۶ .۵۰۱۶	- ۴۹۸۷.۳	۳
۴	ناحیه ۶	۷۴۶۷	۲۲۱۳.۲	۷۸۰	۱۰۴۶۰.۲	۶۰۷۵.۵	- ۴۳۸۴.۷	۱
۵	ناحیه۱۳	۷۵۳۴	۲۲۳۴.۴	۶۲۰	۱۰۳۸۸.۴	۵۸۵۲.۳	-۴۵۷۸.۲	۲

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

مقدار کمک‌های غذایی دریافت شده توسط نیازمندان

نتایج تحقیق ارائه شده در جدول (۳) نشان می‌دهد که در ولسوالی پغمان، ۲۳.۳ فیصد از خانواده‌های نیازمند از کمک‌های سازمان جهانی غذا (WFP) بهره‌مند شده‌اند. این خانواده‌ها به طور اوسط شش نوع مواد غذایی از این سازمان دریافت کرده‌اند و دفعات کمک رسانی در طول یک سال چهار مرتبه بوده است. در مرتبه دوم، ولسوالی شکردره قرار دارد که در آن ۲۰.۶ فیصد از خانواده‌های نیازمند از کمک‌های سازمان جهانی غذا استفاده کرده‌اند. این خانواده‌هابه طور اوسط چهار نوع مواد غذایی دریافت کرده‌اند و دفعات کمک رسانی در طول سال چهار مرتبه گزارش شده است. در مرتبه سوم، ناحیه اول شهر کابل قرار دارد که ۲۰ فیصد از خانواده‌های نیازمند از کمک‌های WFP

بهره مند شده‌اند. این خانواده هابه طور اوسط پنج نوع مواد غذایی دریافت کرده‌اند و دفعات دریافت کمک در طول سال سه مرتبه بوده است.

جدول۳: *مقدار کمک‌های غذایی دریافت شده توسط نیازمندان*

شماره	نواحی و والسوالی	اوسط تعداد کمک شده دریک دوره	کمک های توسط WFP	فیصدی کمک ها توسط WFP	دفعات کمک ها دریک سال	درجه بالا بودن کمک توسط WFP
۱	شکردره	۴	۳۱	۲۰.۶	۴	۲
۲	پغمان	٦	۳۵	۲۳.۳	۴	۱
۳	ناحیه ۱	۵	۳۰	۲۰	۲	۳
۴	ناحیه ٦	۵	۲۸	۱۸.٦	۳	۴
۵	ناحیه۱۳	۵	۲٦	۱۷.۳	۲	۵

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

سطح رضایت نیازمندان از کمک‌های نقدی و غیرنقدی

بر اساس نتایج جدول (۴)، اکثریت پاسخ‌دهندگان از کمک‌های نقدی و غیرنقدی دریافت‌شده ابراز رضایت نموده‌اند. به‌گونه‌ای که ۹۴ نفر از پاسخ‌دهندگان، معادل ٦۲.۷ فیصد از مجموع نمونه، سطح رضایت خود را «بسیار زیاد» گزارش کرده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از نیازمندان کمک‌های ارائه‌شده را پاسخ‌گوی نیازهای اساسی خود دانسته‌اند. همچنان، ۳۷ نفر از پاسخ‌دهندگان که ۲۴.۷ فیصد از نمونه را تشکیل می‌دهند، سطح رضایت خود را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، ۱۳ نفر از پاسخ‌دهندگان (۸.۷٪) رضایت کمی از کمک‌های دریافتی داشته‌اند و ۲ نفر دیگر، معادل ۱.۳ فیصد، میزان رضایت خود را بسیار کم عنوان نموده‌اند. در نهایت، ۲ نفر از پاسخ‌دهندگان (۱.۳٪) در مورد سطح رضایت از کمک‌های دریافت‌شده پاسخی ارائه نکرده‌اند. به‌طور کلی، نتایج جدول (۴) بیانگر آن است که کمک‌های نقدی و غیرنقدی در مجموع با سطح رضایت نسبتاً بالایی در میان دریافت‌کنندگان همراه بوده است، هرچند وجود سطوح مختلف رضایت نشان‌دهندهٔ ضرورت بهبود هدفمندی و تناسب کمک‌ها با نیازهای واقعی خانواده‌ها می‌باشد.

جدول۴: *سطح رضایت نیازمندان از کمک‌های نقدی و غیرنقدی*

سطح رضایت	دفعات	فیصدی
خیلی راضی	۹۴	٦۲.۷
رضایت متوسط	۳۷	۲۴.۷
رضایت کم	۱۳	۸.۷

رضایت خیلی کم	۲	۱.۳
خطا	۲	۱.۳
مجموعی	۱۵۰	۱۰۰.۰

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

تاثیر کمک ها در بهبود وضعیت اقتصادی خانواده

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ۷۵.۳ فیصد از پاسخ دهندگان، کمک‌های دریافت شده را در بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های خود مؤثر دانسته‌اند. این نتیجه بیانگر آن است که کمک‌های ارائه شده توانسته‌اند تا حد قابل توجهی در کاهش فشارهای اقتصادی خانواده‌های نیازمند نقش ایفا کنند. چنین یافته‌ای با نتایج شماری از مطالعات بین‌المللی هم‌خوانی دارد که نشان می‌دهند کمک‌های نقدی و غیرنقدی، به‌ویژه در شرایط آسیب پذیری اقتصادی، می‌توانند اثرات مثبتی بر امنیت معیشتی و توان اقتصادی کوتاه مدت خانواده‌ها داشته باشند(بانک جهانی، ۲۰۲۰).

در مقابل، ۲۰.۷ فیصد از پاسخ دهندگان در تحقیق حاضر اظهار داشته‌اند که کمک‌ها تأثیری بر بهبود وضعیت اقتصادی آنان نداشته است. این نتیجه با یافته‌های برخی تحقیقات بین‌المللی قابل مقایسه است که تأکید می‌کنند اثربخشی کمک‌ها به عواملی چون میزان کمک، تداوم آن، تناسب با نیازهای واقعی خانواده‌هاو شرایط اقتصادی محلی وابسته است. در مواردی که کمک‌ها محدود، مقطعی یا غیرهدفمند باشند، تأثیر آن‌ها بر بهبود پایدار وضعیت اقتصادی خانواده‌هاکاهش می‌یابد(سازمان غذا و زراعت ملل متحد، ۲۰۱۹).

همچنان، وجود ۴.۰ فیصد عدم پاسخ دهی در تحقیق حاضر با نتایج مطالعات مشابه مطابقت دارد؛ به گونه‌ای که تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهند عدم پاسخ دهی می‌تواند ناشی از عواملی چون عدم دریافت مستقیم کمک‌ها، ابهام در ارزیابی اثرات اقتصادی، یا بی اعتمادی پاسخ دهندگان نسبت به برنامه های حمایتی باشد(سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۸) . این موضوع به عنوان یکی از محدودیت‌های تحقیق حاضر قابل توجه است.

در مجموع، مقایسهٔ یافته‌های تحقیق حاضر با مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که کمک‌ها می‌توانند نقش مثبتی در بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌هاداشته باشند؛ با این حال، برای دستیابی به اثرات پایدار و گسترده‌تر، لازم است برنامه‌های کمک رسانی به صورت هدفمند، مستمر و هم راستا با رویکردهای توانمند سازی اقتصادی طراحی و اجرا گردند.

جدول۵: *تاثیر کمک‌ها در بهبود وضعیت اقتصادی خانواده*

پاسخ	دفعات	فیصدی
بلی	۱۱۳	۷۵.۳
نخیر	۳۱	۲۰.۷
خطا	٦	۴.۰
مجموعی	۱۵۰	۱۰۰.۰

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

تأثیر کمک‌ها بر کاهش فقر در خانواده‌ها

نتایج ارائه شده در جدول (٦) نشان می‌دهد که اکثریت خانواده‌ها کمک‌های دریافتی را در کاهش فقر مؤثر ارزیابی کرده‌اند. به‌گونه‌ای که ۱۰۹ نفر از پاسخ دهندگان، معادل ۷۲.۷ فیصد از مجموع نمونه، اظهار داشته‌اند که کمک‌های دریافت شده توانسته است وضعیت اقتصادی و فقر خانواده‌های آنان را بهبود بخشد. در مقابل، ۳۱ نفر از پاسخ دهندگان (۲۰.۷ ٪) بیان کرده‌اند که کمک‌ها هیچ تأثیری بر کاهش فقر خانواده‌های آنان نداشته است. همچنین، ۱۰ نفر (٦.۷ ٪) پاسخی ارائه نکرده‌اند.

به طور کلی، این یافته‌ها نشان می‌دهند که کمک‌ها توانسته اند برای بخش عمده‌ای از خانواده‌هابه کاهش نسبی فقر منجر شوند. با این حال، وجود فیصدی از خانواده‌هاکه اثرگذاری کمک‌ها راگزارش نکرده‌اند، بر ضرورت بهبود هدفمندی، میزان و نوع کمک‌ها تأکید دارد. این نتایج با یافته‌های بین‌المللی مطابقت دارد که نشان می دهند اثربخشی کمک‌ها در کاهش فقر، به میزان کمک، طول دوره ارائه و تناسب آن با نیازهای واقعی خانواده بستگی دارد(بانک جهانی،۲۰۲۰).

جدول٦: *تاثیر کمک ها بالای کاهش فقر در خانواده‌ها*

پاسخ	دفعات	فیصدی
بلی	۱۰۹	۷۲.۷
نخیر	۳۱	۲۰.۷
خطا	۱۰	٦.۷
مجموعی	۱۵۰	۱۰۰.۰

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

مقایسه مناطق شهری و روستایی در تأثیر کمک‌های موسسات

نتایج جدول (۷) نشان می‌دهد که در مجموع ۱۵۰ پاسخ‌دهنده از مناطق شهری و روستایی در مطالعه شامل بوده‌اند و میزان پاسخ‌دهی در تمامی متغیرها در سطح بالایی قرار دارد. به‌گونه‌ای که در متغیر رضایت از کمک‌ها، ۱۰۰٪ پاسخ‌دهندگان مشارکت داشته‌اند که بیانگر اهمیت و ارتباط مستقیم این

موضوع با زندگی خانواده‌ها می‌باشد. در سایر متغیرها نیز سطح پاسخ‌دهی بسیار بالا است؛ به‌طوری‌که در بهبود وضعیت اقتصادی ٪۹۶، در بهبود آموزش ٪۹۶.۷، در بهبود تغذیه ٪۹۴.۷ و در کاهش فقر ٪۹۳.۳ از پاسخ‌دهندگان اظهار نظر کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که کمک‌های نقدی و غیرنقدی مؤسسات، از دیدگاه اکثریت پاسخ‌دهندگان، دارای اثرات چندبعدی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و معیشتی بوده است. از سوی دیگر، وجود ٪۱۱.۳ عدم پاسخ در متغیر کاهش خودکفایی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی عدم اطمینان برخی خانواده‌ها نسبت به اثرات بلندمدت کمک‌ها بر وابستگی اقتصادی باشد. این موضوع از دید تحلیلی بیانگر آن است که بخشی از کمک‌ها ممکن است در کنار بهبود فوری معیشت، پیامدهای متفاوتی بر خودکفایی اقتصادی داشته باشد. در مجموع، یافته‌های جدول (۷) نشان می‌دهد که کمک‌های ارائه‌شده بیشترین اثر مثبت را در بهبود وضعیت اقتصادی و آموزش داشته‌اند، در حالی که اثرات آن بر خودکفایی نسبتاً کمتر مورد تأیید برخی پاسخ‌دهندگان قرار گرفته است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کمک‌های مورد بررسی دارای اثرات مثبت چندبعدی بوده اما نیازمند بهبود در جهت تقویت پایداری و خودکفایی اقتصادی می‌باشد.

جدول۷: *تعداد و فیصدی متغیر های مستقل در تفاوت بین شهر و دهات*

	نمونه	فیصدی	نمونه	خطا فیصدی	نمونه	مجموعی فیصدی
رضایت مردم دهات و شهر از کمک ها	۱۵۰	۱۰۰	۰	۰.۰	۱۵۰	۱۰۰
تاثیر کمک ها بالای کاهش خود کفایی در شهر و دهات	۱۳۳	۸۸.۷	۱۷	۱۱.۳	۱۵۰	۱۰۰
تاثیر کمک ها در بهبود تغذیه در شهر و دهات	۱۴۲	۹۴.۷	۸	۵.۳	۱۵۰	۱۰۰
تاثیر کمک ها در بهبود وضعیت اقتصادی در شهر و دهات	۱۴۴	۹۶.۰	٦	۴.۰	۱۵۰	۱۰۰
تاثیر کمک ها در کاهش فقر در شهر و دهات	۱۴۰	۹۳.۳	۱۰	٦.۷	۱۵۰	۱۰۰
تاثیر کمک ها در بهبود آموزش در شهر و دهات	۱۴۵	۹٦.۷	۵	۳.۳	۱۵۰	۱۰۰

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

آزمون χ^2 برای بررسی تفاوت‌ها میان مناطق شهری و روستایی

نتایج جدول (۸) نشان داد که در شاخص‌های رضایت خانواده‌ها و بهبود وضعیت تغذیه، تفاوت معنادار آماری میان مناطق شهری و روستایی مشاهده شده است (p= ۰.۰۱۳ و p =۰.۰۰۱) این یافته نشان می‌دهد که ارزیابی رضایت و وضعیت تغذیه دریافت‌کنندگان کمک‌ها در مناطق شهری و روستایی یکسان نبوده است. در مقابل، در شاخص‌های کاهش خودکفایی، بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش فقر و بهبود آموزش کودکان تفاوت معنادار آماری مشاهده نشد. بنابراین، می‌توان گفت که در بیشتر شاخص‌های مورد بررسی، تفاوت آماری معناداری میان مناطق شهری و روستایی وجود ندارد؛ با این حال، در رضایت از کمک‌ها و بهبود وضعیت تغذیه تفاوت معنادار مشاهده شده است.

جدول۸: *آزمون χ^2 برای بررسی تفاوت‌ها میان مناطق شهری و روستایی*

	شهر		دهات		Sig (p-value)
متغیر ها	بلی(شهر)	نخیر(شهر)	بلی(دهات)	نخیر(دهات)	سطح معناداری
رضایت	۶۴	۲۶	۵۳	۷	۰.۰۱۳
کاهش خود کفایی	۵۴	۲۲	۳۶	۲۱	۰.۳۳۵
بهبود تغذیه	۶۳	۲۵	۵۲	۲	۰.۰۰۰
بهبود وضعیت اقتصادی	۶۴	۲۱	۴۹	۱۰	۰.۲۶۵
کاهش فقر	۶۹	۱۹	۴۰	۱۲	۰.۸۳۸
بهبود آموزش کودکان	۴۸	۴۱	۳۳	۲۳	۰.۵۵۵

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

تحلیل رگرسیون لوجستیک

نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک در جدول (۹) نشان می‌دهد که مدل از نظر آماری معنادار بوده و برخی از متغیرهای مستقل اثر معنی‌دار بر بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها دارند. به‌گونه‌ای که متغیرهای بهبود آموزش کودکان (p=۰.۰۰۲) و رضایت از کمک‌ها(p=۰.۰۰۴) اثر مثبت و معنی‌دار بر متغیر وابسته داشته‌اند، که بیانگر آن است که افزایش سطح آموزش و رضایت از کمک‌ها می‌تواند احتمال بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها را افزایش دهد. همچنین متغیر کاهش همبستگی اجتماعی(p<۰.۰۰۱) نیز اثر معنی‌دار نشان داده است. در مقابل، سایر متغیرها شامل کاهش فقر، بهبود تغذیه، محروم شدن از کمک‌ها و کاهش خودکفایی در سطح ۹۵٪معنی‌دار نبوده‌اند(p>۰.۰۵). بنابراین به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در میان متغیرهای بررسی‌شده، بهبود آموزش کودکان، رضایت از کمک‌ها و تا حدی ساختار اجتماعی (همبستگی اجتماعی) مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها در منطقه مورد مطالعه می‌باشند.

جدول۹: *تحلیل مدل رگرسیون لوجستیک*

	ضریب رگرسیون	خطای معیاری	آزمون والد	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت شانس
بهبود آموزش	۳.۵۲۰	۱.۱۴۴	۹.۴۷۵	۱	۰.۰۰۲	۳۳.۷۹۵
کاهش فقر	۲.۸۹۳	۱.۴۹۰	۳.۷۶۹	۱	۰.۰۲۵	۱۸.۰۵۳
بهبود تغذیه	-۰.۸۱۰	۱.۰۰۲	۰.۶۵۳	۱	۰.۴۱۹	۰.۴۴۵
محروم شدن کمک	۱.۰۴۰	۱.۳۸۱	۰.۵۶۷	۱	۰.۴۵۱	۲.۸۲۸
کاهش خودکفایی	۱.۳۵۲	۰.۹۲۹	۲.۱۸۸	۱	۰.۱۴۶	۳.۸۶۴
کاهش همبستگی	۶.۰۲۹	۱.۴۳۹	۱۷.۵۵۲	۱	۰.۰۰۱>	۴۱۵.۴۹۲
مردم	۲.۹۸۵	۱.۰۲۵	۸.۴۸۵	۱	۰.۰۰۴	۱۹.۷۹۶
رضایت از کمک ها	-۲۵.۵۶۹	۶.۱۱۰	۱۷.۵۱۴	۱	۰.۰۰۱>	۰.۰۰۰
ثابت						

منبع: یافته های تحقیق۱۴۰۴ هـ. ش

بحث و مناقشه

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که کمک‌های غذایی موسسات داخلی و خارجی در ولایت کابل نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش فقر و افزایش رضایت خانواده‌ها ایفا کرده‌اند. تحلیل ارقام نشان می‌دهد که بیش از ۷۵٪ خانواده‌ها تأثیر مثبت کمک‌ها را بر وضعیت اقتصادی خود گزارش کرده‌اند و بیش از ۷۲٪ اظهار داشته‌اند که این کمک‌ها به کاهش فقر آنان کمک کرده است. همچنین، بیش از ٦۲٪ پاسخ دهندگان رضایت بالایی از دریافت کمک‌ها داشته‌اند. این نتایج با یافته‌های برخی تحقیقات بین‌المللی همسو است. برای نمونه، گزارش بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که کمک‌های غذایی و نقدی در شرایط آسیب پذیری اقتصادی می‌توانند فشارهای اقتصادی کوتاه مدت را کاهش دهند و امنیت معیشتی خانواده‌ها را بهبود ببخشند. با این حال، همانند یافته‌های تحقیق حاضر، مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که این کمک‌ها در بهبود تغذیه پایدار و افزایش خودکفایی اقتصادی محدودیت دارند(سازمان غذا و زراعت ملل متحد، ۲۰۱۹).

بااین‌وجود، نکته قابل توجه آن است که حتی در میان خانوارهایی که از کمک‌های غذایی بهره‌مند شده‌اند، شکاف ساختاری میان درآمد و مخارج ماهانه همچنان پابرجا است (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴، جدول ۲). تداوم این شکاف نشان می‌دهد که کمک‌های غذایی، علی رغم نقش مهم خود در تأمین نیازهای فوری خانوارها و کاهش فشارهای اقتصادی، عمدتاً به‌عنوان یک «ضربه‌گیر موقت» عمل می‌کنند و به‌تنهایی نمی‌توانند به‌عنوان راهکاری پایدار برای کاهش فقر در نظر گرفته شوند.

به عبارت دیگر، کمک‌های غذایی می‌توانند در کوتاه‌مدت از تشدید آسیب‌پذیری اقتصادی خانوارها و سقوط آنان به سطوح شدیدتر فقر جلوگیری کنند؛ اما در صورت نبود فرصت‌های پایدار درآمدی و مداخلات اقتصادی مکمل، قادر به ایجاد تغییرات اساسی در وضعیت معیشتی خانوارها و خروج آنان از چرخه فقر نیستند. از این‌رو، یافته حاضر بر ضرورت گذار از رویکرد صرفاً حمایتی به رویکردی جامع و توانمندساز در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با فقر تأکید دارد.

این یافته با گزارش‌های اخیر بانک جهانی نیز همخوانی دارد. بانک جهانی تأکید می‌کند که اثربخشی کمک‌های بشردوستانه زمانی پایدارتر خواهد بود که این کمک‌ها با برنامه‌های ایجاد اشتغال، حمایت از کسب‌وکارهای خرد، توسعه فرصت‌های درآمدزایی و تقویت بازارهای محلی همراه شوند. بر این اساس، پیوند میان حمایت‌های کوتاه‌مدت و مداخلات توسعه‌ای می‌تواند ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای فوری خانوارهای آسیب‌پذیر، زمینه افزایش خوداتکایی اقتصادی، کاهش وابستگی به کمک‌ها و ایجاد ظرفیت‌های پایدار برای خروج از چرخه فقر را فراهم کند(بانک جهانی، ۲۰۲۵).

مقایسه مناطق شهری و روستایی تحلیل χ^2 نشان داد که در شاخص‌های رضایت خانواده‌ها و بهبود وضعیت تغذیه تفاوت معنی دار آماری بین مناطق شهری و روستایی مشاهده شد($p<0.05$ ۰.۰۱۳). این یافته مشابه نتایج تحقیقات بین‌المللی است که بیان می‌کنند تفاوت‌های ساختاری اقتصادی، دسترسی به منابع، سطح آموزش و زیرساخت‌ها می‌توانند تأثیر مهمی بر رضایت دریافت کنندگان کمک‌ها داشته باشند (کومار و جونز، ۲۰۱۸). در سایر شاخص‌ها از جمله بهبود تغذیه، وضعیت اقتصادی، کاهش فقر و آموزش کودکان تفاوت معنی دار آماری مشاهده نشد، که نشان دهنده اثرگذاری تقریباً یکسان کمک‌ها در شهر و دهات است. این نتیجه با یافته‌های جهانی مشابه مطالعات در آفریقا و جنوب آسیا همسو است که نشان می دهد کمک‌های غذایی می‌توانند ا ثر مثبت اقتصادی داشته باشند، اما تأثیر پایدار بر تغذیه و توانمند سازی اقتصادی نیازمند برنامه‌های هدفمندتر است(برنامه جهانی غذا، ۲۰۲۱).

تفاوت معنادار در سطح رضایت‌مندی و وضعیت تغذیه‌ای میان خانوارهای شهری و روستایی، احتمالاً بازتاب‌دهنده تفاوت‌های موجود در هزینه‌های زندگی، میزان دسترسی به بازارها، تنوع مواد غذایی و الگوهای مصرفی و انتظارات متفاوت خانوارها در این دو محیط است. در مناطق شهری، هزینه‌های مسکن، ترانسپورت و مواد غذایی معمولاً بیشتر بوده و خانوارها ممکن است به حمایت‌های نقدی انعطاف‌پذیر یا وچرهای غذایی نیاز بیشتری داشته باشند. در مقابل، در مناطق روستایی که بازارها از پوشش و تنوع محدودتری برخوردارند، کمک‌های غذایی غیرنقدی می‌توانند به‌صورت مستقیم‌تر

نیازهای تغذیه‌ای و کالری مورد نیاز خانوارها را تأمین نمایند (یافته‌های تحقیق حاضر، ۱۴۰۴، جدول ۷).

این یافته دارای پیامد مهمی برای سیاست‌گذاری و طراحی برنامه‌های کمک‌رسانی است؛ زیرا نشان می‌دهد که یک رویکرد واحد و یکسان برای تمام مناطق نمی‌تواند الزاماً پاسخ‌گوی نیازهای متفاوت خانوارها باشد. ازاین‌رو، طراحی و اجرای برنامه‌های حمایتی باید با درنظرداشت ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و بازارمحور هر منطقه صورت گیرد. به‌طور مشخص، در مناطق شهری می‌توان بر حمایت‌های نقدی انعطاف‌پذیر و وچرهای غذایی تمرکز بیشتر داشت، در حالی‌که در مناطق روستایی، با توجه به محدودیت دسترسی به بازار و تنوع پایین‌تر مواد غذایی، کمک‌های غذایی غیرنقدی می‌توانند نقش مؤثرتری در تأمین نیازهای تغذیه‌ای خانوارها ایفا کنند. بنابراین، بومی‌سازی برنامه‌های کمک‌رسانی بر اساس شرایط و نیازهای محلی می‌تواند زمینه افزایش اثربخشی، کارایی و هدفمندی مداخلات حمایتی را فراهم سازد.

مدل رگرسیون لجستیک نشان داد که بهبود آموزش کودکان، رضایت خانواده‌ها و همبستگی اجتماعی بیشترین تأثیر را بر بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها دارند. برای بهبود آموزش کودکان تقریباً ۳۴ و برای رضایت از کمک‌ها حدود ۲۰ بود، در حالی که سایر شاخص‌ها مانند بهبود تغذیه و کاهش خودکفایی تأثیر معنادار آماری نداشتند. این نتایج با تحقیقات بین‌المللی مطابقت دارد، که نشان می‌دهند عوامل اجتماعی و آموزشی نقش مهمی در بهره‌وری و اثرگذاری کمک‌ها دارند و تنها ارائه غذا یا کمک نقدی بدون همراهی برنامه‌های توانمندسازی، اثر پایدار اقتصادی ایجاد نمی کند (اسمیت و همکاران،۲۰۱۹؛ غذا و زراعت سازمان ملل متحد، ۲۰۲۰).

اثر معنادار متغیر «بهبود آموزش کودکان» در مدل رگرسیون نشان می‌دهد که هرگاه کمک‌های غذایی با پیامدهای مثبت اجتماعی و آموزشی همراه باشند، تأثیر اقتصادی آن‌ها بر وضعیت خانوارها می‌تواند به‌مراتب بیشتر باشد. این یافته با شواهد موجود در ادبیات علمی بین‌المللی نیز هم‌خوانی دارد؛ زیرا مطالعات نشان می‌دهند که برنامه‌های تغذیه‌ای مکاتب و مشروط‌ساختن کمک‌ها به حضور و پیشرفت تحصیلی کودکان می‌تواند در درازمدت به کاهش فقر و شکستن چرخه انتقال آن از یک نسل به نسل دیگر کمک کند (برنامه جهانی غذا، ۲۰۲۱).

از جانب دیگر، معناداری متغیر «کاهش همبستگی اجتماعی» می‌تواند بیانگر آن باشد که در جوامعی که سطح انسجام و همبستگی اجتماعی پایین‌تر است، خانوارها وابستگی بیشتری به منابع و کمک‌های بیرونی پیدا می‌کنند؛ در نتیجه، دریافت کمک‌های غذایی می‌تواند تأثیر محسوس‌تری بر وضعیت

اقتصادی این خانوارها داشته باشد. با این حال، این تفسیر باید با احتیاط صورت گیرد؛ زیرا رابطه مشاهده‌شده الزاماً به معنای وجود رابطه علّی مستقیم نیست و برای درک دقیق‌تر سازوکارهای موجود، انجام مطالعات کیفی و تحقیقات بیشتر در زمینه نقش روابط اجتماعی و شبکه‌های حمایتی ضروری است. این برداشت با یافته‌های مطالعاتی که بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی در تقویت تاب‌آوری اقتصادی خانوارها تأکید می‌کنند، نیز هم‌راستا می‌باشد.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد که فیصدی از پاسخ دهندگان (۱۴٪) تأثیر ملموسی بر وضعیت زندگی خود گزارش نکرده‌اند. این موضوع می تواند ناشی از محدود بودن دفعات کمک‌ها، عدم تناسب با نیازهای واقعی خانواده ها، یا عدم دسترسی مستقیم به منابع باشد. نرخ بالای عدم پاسخ دهی نیز مشابه مطالعات بین‌المللی است که آن را به عنوان یک چالش در ارزیابی برنامه های حمایتی مطرح می کنند(سازمان همکاری و توسعه اقتصادی،۲۰۱۸). علاوه بر این، اختلاف درآمد و مصارف خانواده‌هانشان می‌دهد که کمک‌های غذایی تنها بخشی از مشکلات اقتصادی خانواده‌ها را پوشش می‌دهد و نابرابری در دسترسی و کمبود درآمد واقعی از چالش‌های اصلی محسوب می‌شود. این یافته مشابه نتایج تحقیقاتی است که در کشورهای آسیایی و آفریقایی انجام شده و بر ضرورت طراحی برنامه‌های کمک رسانی مستمر و هدفمند تأکید دارد (برنامه جهانی غذا، ۲۰۲۱). علاوه بر این، پوشش ناکافی کمک‌های غذایی در برخی از مناطق کشور (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴، جدول ۳) و نبود وضاحت کافی در معیارهای هدفمندی و شناسایی مستحقین، می‌تواند زمینه ساز کاهش اعتماد عمومی و تضعیف اثربخشی برنامه‌های حمایتی شود. این وضعیت با گزارش‌های اخیر نیز هم‌خوانی دارد که نشان می‌دهند پوشش کمک‌های غذایی در افغانستان در برخی مقاطع به سطح محدودی، حدود ۲.۷ درصد جمعیت، رسیده است محدودیت در دسترسی به کمک‌ها و ابهام در روند شناسایی و انتخاب دریافت‌کنندگان می‌تواند نه‌تنها اثربخشی مداخلات حمایتی را کاهش دهد، بلکه برداشت عمومی از شفافیت و عدالت در روند توزیع کمک‌ها را نیز متأثر سازد.

از این‌رو، تقویت سازوکارهای نظارت و پاسخ‌گویی، ایجاد و توسعه میکانیزم‌های مؤثر دریافت و رسیدگی به بازخورد و شکایات دریافت‌کنندگان، و نیز انتشار عمومی و واضح معیارهای هدفمندی و توزیع کمک‌ها، از اقدامات اساسی برای افزایش اعتماد مردم، بهبود شفافیت و کاهش فساد ادراک‌شده در روند اجرای برنامه‌های کمک‌رسانی به شمار می‌رود. اتخاذ این اقدامات می‌تواند زمینه را برای توزیع عادلانه‌تر منابع، افزایش پاسخ‌گویی نهادهای مسئول و در نهایت، ارتقای اثربخشی برنامه‌های حمایتی فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی مؤثریت کمک‌های غذایی موسسات داخلی و خارجی در ولایت کابل انجام گردید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که کمک‌های غذایی توزیع‌شده توسط مؤسسات در ولایت کابل تأثیرات مثبت و قابل‌ملاحظه‌ای بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های دریافت‌کننده داشته است. نتایج آمار توصیفی بیان می‌کند که اکثریت پاسخ‌دهندگان باور دارند این کمک‌ها در بهبود وضعیت اقتصادی، بهبود آموزش کودکان، بهبود وضعیت تغذیه و کاهش فقر نقش مؤثری داشته است. همچنان سطح بلند رضایت پاسخ‌دهندگان از کمک‌های دریافت‌شده نشان می‌دهد که این برنامه‌ها توانسته‌اند بخشی از نیازمندی‌های اساسی خانواده‌ها را برآورده سازند. نتایج آزمون کای‌دو (χ^2) نشان داد که میان مناطق شهری و روستایی در اکثر شاخص‌های مورد بررسی تفاوت معنادار احصائیوی وجود ندارد و تأثیر کمک‌ها در هر دو منطقه تقریباً مشابه بوده است. با این حال، در شاخص‌های رضایت از کمک‌ها و بهبود وضعیت تغذیه تفاوت معنادار مشاهده گردید که بیانگر تفاوت در میزان بهره‌مندی و ارزیابی کمک‌ها میان شهر و دهات می‌باشد. همچنان نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که متغیرهای بهبود آموزش کودکان و رضایت از کمک‌ها از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها بوده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که کمک‌های غذایی زمانی می‌تواند اثرات اقتصادی پایدارتر داشته باشد که در کنار رفع نیازهای فوری خانواده‌ها، زمینه بهبود آموزش و افزایش رضایت دریافت‌کنندگان را نیز فراهم سازد. با وجود تأثیرات مثبت کمک‌ها، بخشی از پاسخ‌دهندگان در مورد اثرات درازمدت این کمک‌ها بر خودکفایی اقتصادی دیدگاه مشخصی نداشته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که هرچند کمک‌های غذایی در کاهش مشکلات کوتاه‌مدت معیشتی مؤثر بوده است، اما برای دستیابی به توسعه پایدار و کاهش وابستگی اقتصادی خانواده‌ها، لازم است این برنامه‌ها با اقدامات توانمندسازی اقتصادی و ایجاد فرصت‌های عایداتی همراه گردد. در مجموع، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که کمک‌های غذایی مؤسسات در ولایت کابل نقش مهمی در بهبود شرایط زندگی خانواده‌های نیازمند، کاهش مشکلات معیشتی، بهبود آموزش کودکان و ارتقای وضعیت تغذیه داشته است؛ اما برای افزایش پایداری نتایج و تقویت خودکفایی اقتصادی، نیاز است که این کمک‌ها با برنامه‌های توسعه‌ای و توانمندساز تکمیل گردد. بنابراین، پیشنهادها برای ادارات ذی‌صلاح و مؤسسات کمک‌رسان به صورت ذیل لست شده است:

۱. مؤسسات کمک رسان در کنار توزیع کمک‌های غذایی، برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی مانند آموزش‌های حرفوی، حمایت از تشبثات کوچک و ایجاد فرصت‌های کاری را نیز تطبیق نمایند تا وابستگی خانواده‌ها به کمک‌های خارجی کاهش یابد.
۲. ادارات ذی‌ربط باید میکانیزم شناسایی و انتخاب خانواده‌های مستحق را تقویت نمایند تا کمک‌ها به‌صورت عادلانه، شفاف و مؤثر به افراد نیازمند در مناطق شهری و روستایی توزیع گردد.
۳. به‌منظور افزایش رضایت مردم از روند کمک رسانی، لازم است سیستم‌های نظارت، ارزیابی و رسیدگی به شکایات دریافت‌کنندگان تقویت گردد تا کیفیت خدمات و شفافیت روند توزیع بهبود یابد.
٤. مؤسسات کمک رسان باید در کنار توزیع مواد غذایی، برنامه‌های آموزشی در زمینه تغذیه، صحت خانواده و آموزش کودکان را نیز مورد توجه قرار دهند؛ زیرا یافته‌های تحقیق نشان داد که این عوامل با بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارند.

پیشنهادها برای محققان آینده

۱. انجام تحقیقات مشابه در سایر ولایات افغانستان با حجم نمونه بزرگ‌تر به‌منظور مقایسه نتایج و افزایش قابلیت تعمیم یافته‌ها.
۲. بررسی تأثیرات درازمدت کمک‌های غذایی بر خودکفایی اقتصادی و میزان وابستگی خانواده‌ها از طریق مطالعات طولی (Longitudinal Studies).
۳. انجام مطالعات مقایسه‌ای میان کمک‌های غذایی، نقدی و سایر انواع حمایت‌های بشردوستانه به‌منظور شناسایی مؤثرترین نوع کمک در بهبود رفاه خانواده‌ها.
٤. استفاده از روش‌های تحقیق آمیخته (کمی و کیفی) برای درک عمیق‌تر دیدگاه‌ها، تجربیات و چالش‌های خانواده‌های دریافت‌کننده کمک‌های مؤسسات.

سپاسگزاری

بدین وسیله مراتب سپاس و امتنان عمیق خویش را از استاد محترم پوهاند دوکتور خال محمد احمدزی، استاد پوهنځی زراعت پوهنتون کابل، ابراز می دارد که با رهنمودها، مشوره‌های علمی ارزشمند و حمایت‌های دوامدار خویش در انجام و تکمیل این تحقیق نقش مهمی ایفا نمودند.

همچنان از تمامی پاسخ دهندگان که با اشتراک معلومات و همکاری صادقانه خود زمینه انجام این تحقیق را فراهم ساختند، صمیمانه سپاسگزاری می‌گردد.

در پایان، نویسنده از اعضای خانواده گران قدر خویش به‌خاطر حمایت‌های همیشگی، تشویق و پشتیبانی معنوی در جریان انجام این تحقیق، صمیمانه قدردانی می نماید.

سهم نویسندگان در تحقیق(مقاله)

در جریان انجام این تحقیق و تهیه این مقاله، عبدالباقی احمدزی در بخش‌های تدوین چارچوب نظری، مرور پیشینه تحقیق و طراحی روش‌شناسی تحقیق سهم فعال و مؤثر داشته است. همچنان، ایاز خان ناصری ، خواجه عبدالوارث صدیقی و صلاح‌الدین هدایت در جمع آوری، تنظیم و آماده‌سازی ارقام همکاری نموده‌اند. علاوه بر آن، پوهنمل دکتور ایازخان ناصری و پوهاند دکتور خال‌محمد احمدزی در بازنگری علمی مقاله، ترتیب ساختار کلی، تهیه خلاصه، انتخاب روش تحقیق و ارائه رهنمودها و مشوره‌های علمی در مورد چگونگی تحلیل نتایج آزمون‌های احصائیوی نقش ارزنده و مؤثر ایفا نموده‌اند. تمامی نویسندگان در بررسی، اصلاح و تأیید نسخه نهایی مقاله سهم داشته و مسئولیت محتوای علمی آن را به‌عهده دارند.

تضاد منافع

تصدیق میگردد که نویسنده گان این مقاله هیچ گونه تضاد منافع ندارند.

منابع

Ahmadi, A., Gandour, G., Ghaffari, H., Sati, H., Abou Mrad, A., Semaan, S., & Lucero-Prisno III, D. E. (2021). Food security and COVID-19 in Afghanistan: A two-sided battlefront. *Tropical Medicine and Health, 49, 77.*

https://doi.org/10.1186/s41182-021-00370-8

De Marchis, E. H., Torres, J. M., Benesch, T., Fichtenberg, C., Allen, I. E., Deardorff, J., & Gottlieb, L. M. (2022). Interventions to address food insecurity: A systematic review and meta-analysis. *JAMA Network Open, 5(5),* e2212347. https://doi.org/10.1001/jamanetworkopen.2022.12347

Food and Agriculture Organization of the United Nations. (2001). *The state of food insecurity in the world 2001*. Link

Food and Agriculture Organization of the United Nations. (2009). *How to feed the world in 2050*. Link

Food and Agriculture Organization of the United Nations. (2019). *The state of food security and nutrition in the world 2019.* https://doi.org/10.4060/cc8455en

Food and Agriculture Organization of the United Nations. (2020). *The state of food security and nutrition in the world 2020.* https://doi.org/10.4060/ca9160en

Hassanzoy, N., Petrick, M., & Teuber, R. (2025). Patterns of rural and urban food insecurity in Afghanistan after August 2021. *Food Security, 17*, 1099–1117.

Hidrobo, M., Hoddinott, J., Peterman, A., Margolies, A., & Moreira, V. (2014). Cash, food, or vouchers? Evidence from a randomized experiment in northern Ecuador. *Journal of Development Economics, 107*, 144–156. https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2013.11.009

Justice, C., Rowland, J., McNally, A. L., Budde, M., & Verdin, J. (2024). ENSO-based outlook of droughts and agricultural outcomes in Afghanistan. *Weather and Climate Extremes, 45*, 100697. https://doi.org/10.1016/j.wace.2024.100697

Lentz, E. C., & Barrett, C. B. (2008). Improving food aid: What reforms would yield the highest payoff? *World Development, 36(7)*, 1152–1172. https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2007.06.018

Organisation for Economic Co-operation and Development. (2006). *The development effectiveness of food aid: Does tying matter?* OECD Publishing. https://doi.org/10.1787/9789264013476-en

Organisation for Economic Co-operation and Development. (2018*). Evaluating public programmes: Addressing non-response and participation challenges in impact assessments*. https://doi.org/10.1787/9789264300000-en

Oronce, C. I. A., Miake-Lye, I. M., Begashaw, M. M., Booth, M., Shrank, W. H., & Shekelle, P. G. (2021). Interventions to address food insecurity among adults in

Canada and the US: A systematic review and meta-analysis. *JAMA Health Forum, 2(8),* e212001. https://doi.org/10.1001/jamahealthforum.2021.2001

Ratcliffe, C., McKernan, S.-M., & Zhang, S. (2011). How much does the Supplemental Nutrition Assistance Program reduce food insecurity*? American Journal of Agricultural Economics, 93(4),* 1082–1098. https://doi.org/10.1093/ajae/aar026

Shukla, S., Zaheer, F., Hoell, A., Anderson, W., Jayanthi, H., Husak, G., Lee, D., Barker, B., Pervez, S., Slinski, K., Justice, C., Rowland, J., McNally, A. L., Budde, M., & Verdin, J. (2024). ENSO-based outlook of droughts and agricultural outcomes in Afghanistan. *Weather and Climate Extremes, 45*, 100697. Link

Smith, L. C., Ruel, M., & Ndiaye, A. (2019). *The effectiveness of food aid in reducing food insecurity and improving nutritional outcomes.* International Food Policy Research Institute. https://doi.org/10.2499/9780896293625

United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2019). *World population prospects 2019: Highlights* (ST/ESA/SER.A/423). Link

World Bank. (2005). *Enhancing food security in Afghanistan: Private markets and public policy options.* Link

World Bank. (2020). *Afghanistan emergency agriculture and food supply project (EATS)* (Project No. P174348). Information-Document-Emergency-Agriculture-and-Food-Supply-Project-P174348.docx

World Food Programme. (n.d.). Food assistance: Cash and in-kind. Link

World Food Programme, Food and Agriculture Organization, & European Union. (2021). *Global report on food crises 2021.* Link